

جستاری در کلام جدید

- اینکه در گذر زمان ما کلام را به صورت جداگانه ارائه کرده ایم و از به بعد چه می شود یک و با یک نظم اساسی بیان کنیم. اینگونه که مسائل ماورائی مثل اثبات خدا و انسان شناسی و دین شناسی و ... از طریق عقل و سایر مباحث در حوزه ی مثل کردارها و اخلاق و غیره را از منظر درون متنی عنوان کنیم.
- مهمترین مباحث حوزه ی دین پژوهی یا فلسفه دین: تعریف دین و منشاء دین و براهین اثبات وجود خدا و پلورالیسم دینی و اوصاف خدا و اخلاق و دین و هنر و دین و زبان و دین و قلمرو دین و
- دین پژوهی اگر در صورت داشتن غایت و مسئله و با یک روش خاصی انجام گیرد می شود کلام حالا یا اسلامی یا غیره.
- دین پژوهی تطبیقی که امروزه با عنوان تاریخ ادیان هم می شناسند اصلاً محصول قرن ۱۹ می باشد: و با چاپ کتابی پس از مرگ یواخیم ماخ جامعه شناس در باره تاریخچه ی آن صحبت شد. همچنین سررشته ی آن را به ماکس مولر نسبت می دهند: با این گفته بزرگ که این جهان در نهایت در این قرن به تاسیس یک دانش کلی خواهد انجامید با عنوان دین پژوهی.
- مردم شناسی دینی را به یونان نسبت می دهند. ای. بی تیلور قوم شناس انگلیسی یکی از نخستین محققانی بود که به مفاهیم تکاملی دین پژوهی و اداب و رسوم مردم پرداخت.
- جامعه شناسی دینی سابقه اش به یونان باز می گردد ولی اولین بار ابن خلدون از نقش دین در نهاد های اجتماعی و سیاسی سخن راند.
- تاریخ جامعه شناسی دین را می توان به چهار دوره تقسیم کرد 1: اندیشه ی اجتماعی سنتی 2: شکاکیت و نظریه پردازی 3 و اکنش محافظه کارانه و رمانتیک 4 نظریه ی اجتماعی جدید.

دیدگاه ها در مورد کلام جدید و قدیم

- ۱- بین شان اشتراک لفظی وجود دارد. این روی کرد، گرفتار نوعی سنت سنتیزی و اسیر تحولات غربی شده است و با متأثر شدن از فلسفه ی نقادی کانت و نسبیت انگاری جدید و مبانی هرمنوتیکی هایدگر و گادامر، تلقی خاصی از وحی و کلام پیدا کرده است.
- ۲- دومین دیدگاه از آن کسی تجدد را وصف شبهات و ابزار می دانند
- ۳- تجدد از آن موضوعات است.
- ۴- تجدد وصف مسائل کلامی است. اینکه در گذشته مسائل در حوزه خدا شناسی بوده و امروزه انسان شناسی است.
- ۵- نظر شهید مطهری که تجدد وصف شبهات است و تحول علوم منشاء تجدد است.
- ۶- دیدگاه برگزیده که باید مقام تحقق کلام را از مقام تعریف کلام جدا کرد. در مقام تعریف به نظر می رسد که موضوع کلام تمام گزاره های دینی است؛ اما کلام دفاع عقلانی از تمام گزاره های دینی است.

مسائل کلام جدید:

- ۱- تعریف و چیستی دین
- ۲- انتظار بشر از دین
- ۳- کارکردهای دین

- ۴- منشاء دین
- ۵- گوهر و صدف دین
- ۶- تعارض علم و دین
- ۷- تحقیق پذیری گزاره های دینی
- ۸- پلورالیسم دینی
- ۹- رابطه ی عقل و دین
- ۱۰- ایمان
- ۱۱- صفات خداوند این مسئله در غرب بر اثبات خداوند مقدم است تا صفتی برای خدا نداشته باشیم نمی توانیم خدا را اثبات کنیم.
- ۱۲- مسئله شر و عدالت الهی
- ۱۳- ادله عدم اعتقاد به خدا و ادله نگرویدن به خدا
- ۱۴- مسئله نفس و خلود آن
- ۱۵- تجربه دینی و تفاوت آن با فطرت و وحی و تجربه ی عرفانی
- ۱۶- رابطه ی دین و دنیا
- ۱۷- معرفت شناسی دینی
- ۱۸- روش شناسی دین پژوهی؛ آیا عقل مقدم است یا نقل

نتیجه گیری: قلمرو و گستره ی دین پژوهی به دو عرصه ی ذیل انشعاب می یابد:

- الف- گستره ای که به صدق و کذب ادیان کاری ندارد: ۱- که از یک منظر خاصی است مثل جامعه شناسی دین و یا روانشناسی دین ۲- تمام دین را مورد پژوهش قرار می دهد مثل پدیدار شناسی دین و روش تاریخی دین و غیره
- ب- گستره ای که با صدق و کذب ادیان سرو کار دارد: ۱- فلسفه دین ۲- کلام ۳- معرفت شناسی دینی

چیستی دین

موانع و مشکلات تعریف دین

- ۱- اختلاف در روش شناسی تعریف دین
- ۲- اختلاف در مصادیق دین
- ۳- خلط میان دین و دین داران
- ۴- پرسش از درون دین یا بیرون دین
- ۵- بکار بردن مفاهیم مبهم و کیفی در تعاریف دین
- ۶- استفاده از تعاریف لغوی بجای تعاریف اصطلاحی
- ۷- تأثیر پیش فرض های معرفت شناختی، انسان شناسی، هستی شناسی و جهان بینها و ایدئولوژی ها بر تعریف دین
- ۸- نداشتن مصداق محسوس و مادی برای دین
- ۹- تحریف پاره از ادیان
- ۱۰- نگرش جزء نگرانه به جای کل نگرانه

دسته بندی تعاریف ارائه شده بر تعریف دین

- ۱- تعاریف وجودی و ماهیتی از دین

- ۲- تعاریف لغوی و اصطلاحی
- ۳- تعریف درون دینی و برون دینی
- ۴- تعریف مفهومی ماهوی، توصیفی، اخلاقی، کاربردی، جامعه شناختی و

در باب تعاریف درون دینی و برون دینی

- ۱- دین در قرآن
- ۲- دین در روایات
- ۳- در این دو مطلب رجوع شود به صفحه ۳۶

تعاریف اصطلاحی از دین

- ۱- تعاریف متکلمان
- ۲- تعاریف روانشناسان و جامعه شناسان و غیره

تعریف متکلمان غربی از دین

- ۱- تعریف ماهیت دین که نظام الهی است.
- ۲- تعریف غایت انگارانه
- ۳- تعریف ترکیبی که دین قانون و قرارداد الهی است
- ۴- تعریف دین دارانه که اقرار به زبان است و اعتقاد به پاداش و جزا
- ۵- می توان به تعاریف اندشمندان این حوزه استناد کرد مثل برادلی، کارل دوبل، میلتون بینگر، و خیلی های دیگر

تعاریف متکلمان اسلامی از دین

- ۱- با توجه به استعمال واژه دین در قرآن و حدیث مثل تعاریف آقای جوادی آملی، علامه طباطبائی

تعاریف عالمان علوم انسانی از دین

- ۱- تعریف دورکیم
- ۲- فویر باخ
- ۳- دایره المعارف دین
- ۴- ماکس وبر

نقد تعاریف

هر یک از این تعاریف را می توان با توجه به ماهیت خود دین و اینکه کلام معصوم درباره دین چه فرموده است و اینکه قرآن چه فرموده نقد کرد.

روان شناسی دین پژوهی

توجه در این باره است که دین فقط جنبه برونی و اجتماعی و حکومتی دارد و اینکه دین چه تاثیراتی در حوزه روان انسان می توتند داشته باشد.

مدل های روش شناسی دین پژوهی

با دو روش روبرو هستیم که ۱- خود اسلام است که در این حوزه توجه به متن بوده و در نهایت به عمل و اخلاق توجه می شود و عقل را مد نظر دارد. ۲- مدل یونان بوده که عقل منشاء بوده و نهایتاً در دوره های بعدی متن نیز به آن اضافه شده است.

رویکردهای روش شناسی دین پژوهی

- ۱- رویکرد درون دینی و نقد آن
- ۲- رویکرد برون دینی و نقد آن
- ۳- روش جمع دو مورد مذکور

عقل و دین

- ۱- توجه به معنای عقل
- ۲- توجه به معنای دین
- ۳- حقیقت ایمان از سنخ علم حضوری است و فهم حضور کار عقل است.

تاریخچه ی عقل و وحی

- ۱- عقل و وحی در غرب: که مثل فلاسفه قرون وسطی براین باور بودند که وحی از عقل مطالبه ی ایمان می کند و عقل و وحی دو رویه ی یک واقعیت اند.
- ۲- عقل و وحی در فرهنگ اسلامی: تعقل مبنای ایمان است و انسان باید از تقلید کورکورانه بپرهیزد.

دیدگاههای رابطه ی عقل و دین

- در جایگاه عقل در دین شکی نیست ولی برای فهم دین عقل نیاز است و دسن اعتبار عقل را نمایان می کند. اما ۴ دیدگاه هست:
- ۱- عقل گرایی حداکثری؛ اثبات همگانی دین انجام پذیر است ولی عموم مردم از تحصیل آن ناتوانند.
- ۲- ایمان گرایی؛ عقل توان ارزیابی دین را ندارد
- ۳- عقل گرایی انتقادی؛ که هر دو مورد بالا را نقد می کند و امکان ارزیابی را به عقل می دهد ولی اثبات قاطع همگانی دین امکان پذیر نیست. این حوزه متأثر از معرفت شناسی کانت و علم گرایی پوپر است.
- ۴- عقل گرایی اعتدالی: دین مورد مذاقه قرار می گیرد بعد از فهم دقیق آنها به دنبال مقدمات برهان جهت اثبات آنها می رویم. که این قلمرو دو تئوری مشخص از تئوری های صدق و توجیه را می پذیرد که تئوری های صدق مثل: مطابقت، انسجام پراگماتیسم، نسبیت، تنها تئوری مطابقت را می پذیرد؛ و در میان تئوری های توجیه از میان مبنایگرایی تعقلی، تجربی، انسجام گرایی و عمل گرایی، تنها تعقلی را می پذیرد.

چالش های عقل و دین

- ۱- آیا عقل و فلسفه می توانند اعتقادات دینی را توضیح دهند؟ یا باید مثل آنسلم قدیس باید گفت من نمی فهمم و ایمان می آورم.
- ۲- آیا وجود شرور در جهان وجود خدا را نفی می کند؟ شر در غرب از جمله مهمترین جاهایی است که وجود خدا را با آن رد می کنند. به زعم بنده خود این که شر ردیه ی خدا است پس

غرب هم از خدا نگاه خیر محض را می طلبد. خود این نگاه خیر محض در ذات خدایی قابل تصور است و شر برای عالم ماده است لذا خللی نمی تواند در وجود خدا به راه آورد.

۳- آیا معجزه با عقلانیت سازگار است: برخی معجزه را خرد ستیز می دانند. معجزه شاید ناقض نظام طبیعی باشد ولی ناقض نظام علی و معلولی نیست. تازه خود علت و معلول از نظام طبیعی است.

نتیجه گیری

هر دو عقل و دین دو موهبت گرانبهای الهی است برای کرامت الهی و افراط در هر حوزه خلاف کرامت انسانی است.

معرفت شناسی دینی

معرفت شناسی از جمله بحثهای جدیدی است که در ابتدا باید به دو دسته تقسیم کرد: آن هم از نظر مبادی تصویری و تصدیقی احکام و عوارض دین را گزارش می دهد.

۱- معرفت شناسی پیشینی: که در این حوزه از وجود ذهنی، علم و ادراکات آن و غیره صحبت می شود. مثل اینکه گفته می شود علم کیف نفسانی است.

۲- این نوع از معرفت شناسی پسینی: از تحقق علوم و معارف بشری به وجود می آید و به وجود یا ماهیت علم به عنوان واقعیتی در ذهن انسان توجهی ندارد بلکه موضوع آن مجموعه ی معارف و گزاره ها یا تصورات و تصدیقات موجود در علوم می باشد. بگونه ای می توان گفت سیر علوم را مورد بررسی قرار می دهد. به عبارتی موضوع این نوع از قسم معرفت است و گزاره ها را صرفاً بدون اینکه واقعیت داشته باشد یا نداشته باشد مورد بررسی قرار می دهد. لذا خود این نوع از معرفت را می توان دیگر بار تقسیم کرد.

۱- معارف درجه اول از حقایق مشخصی حرف می زنند مثل در فیزیک از ماده، انرژی، وزن، جرم و غیره و دیگر علوم نیز به این قرار

۲- معارف درجه دوم که از معارف درجه ی اول سخن می گویند: مانند فلسفه ی علم فیزیک، فلسفه علوم تجربی، مثل اینکه بگوییم گزاره های علمی اثبات پذیرند یا نه؟ آیا قضایای علمی ثابت اند یا نه؟ لذا باید گفت که فلسفه علوم در طول آن علوم قرار دارند و نه در عرض علوم و جلوتر از آنها عنوان هایی چون فلسفه اخلاق، فلسفه کلام، فلسفه سیاست، فلسفه ریاضیات و نیز معرفت شناسی دینی قرار دارند که جزء معارف پسینی است.

موضوع معرفت شناسی

معرفت دینی است و معرفت دینی مفهوم عامی است که بر تمام گزاره های گرفته شده از شریعت اطلاق می شود. در نتیجه معارف فقهی کلامی، تفسیری، حدیثی، و ... از معارف دینی محسوب می شوند. البته همه کلام از معارف دینی نیست چون برخی مباحث از شریعت صحبت نمی کنند. برای هر یک از معارف دینی مانند فقه و کلام و ... تشکیل معرفت شناسی مستقلی مانند فلسفه فقه و فلسفه کلام ضرورت دارد. برخی از فلسفه های مضاف هم اگرچه در معارف بشری اند ولی جزء معارف درجه دوم شمرده نمی شوند زیرا موضوعشان از سنخ معرفت نمی باشد. مانند فلسفه دین، به یک معنا فلسفه تاریخ، و فلسفه احکام. مثل اینکه بگوییم فلسفه دین به معنای دانشی است که با روش عقلانی به اثبات یا نفی گزاره های دینی می پردازد.

تبیین مفهوم دین

برای دین تعاریف بسیار زیادی شده است ولی مهمترین تعریفی که شده است همان تعریف کتاب و سنت یا سیره است که منتقدانی هم دارد. جناب آقای دکتر خسرو پناه در کتاب کلام جدیدشان که این نوشتار هم با نظم ترتیب ایشان جلو می رود دو نقد را به این تعریف آورده و نگارنده نیز به نقدهای ایشان نقدی را دارم :

- اشکال اول را ایشان به تهافت کلامی متصف می کنند و اینکه در این تعریف گاه منظور دین است و گاه شریعت
 - اشکال دوم نیز این است که بین دین و متون دینی خلط شده است؛ در حالی دین مجموعه ی حقایقی و ارزشهایی هست که متون دین از آن حکایت می کند. لذا خلط حاکی از محکی شده است.
 - تعریفی ایشان از دین ارائه می دهند همان حقایق و ارزشهایی است که از طریق وحی به وسیله ی کتاب و سنت جهت هدایت به دست بشر می رسد.
 - سوال بنده این است خوب تفاوت دین شما با تعاریف دیگران در چیست؟
 - اشکالات شما نیز همچون اشکال شما صرفا کلامی است و اینکه ما زمانی که از جهت اشکال تراشی برای یک مقوله ای بر می آئیم باید نظر در مبانی داشته باشیم. چه مبنا ی اختلافی بین شما و دیگران هست که موجب اشکال تراشی شما می گردد؟
 - اینکه حقایق صرفا با کلام بر بشر نازل شود پس کلام نیز باید حقیقت باشد لذا می ماند تفسیر کلام که آنهم به عهده سنت و سیره است؟ همانطور که گفته می شود علی (ع) قرآن ناطق است. لذا پرداختن به این اشکالات و اینکه دین را به گونه ای خیلی از ابهام جلوه دادن کار درستی نیست. دین آشکار است و آنهم اسلام است و تعریف اسلام هم همان اسلام است که در قرآن و سیره به شکل کلامی و فعلی نمود می یابد.
 - سوال دیگر این است که آیا فعل دینی در دین است یا خارج از دین است؟ اگر خارج از دین است که دینی نیست و اگر از دین است دین بعد عملی دارد که محصولش می شود فقاقت. اگر شما بخواهید فعل دینی را از دین انفکاک بدهید که اصلا امکان ندارد. و خیلی حرف دیگر
- حلا شاید پرسیده شود معرفت دینی چیست؟ معرفت دینی شناختن خود این حقایق است که به صورت کلام و سنت نمود می یابد.**

قرابت معرفت شناسی دینی با هرمنوتیک

- قراباتی هست.
- واژه هرمنوتیک به معنای تفسیر کردن می باشد.
- در اروپا فصل خاصی از هرمنوتیک در جریان است که گادامر و شلایر ماخر را می توان برای نمونه عنوان کرد.
- هرمنوتیک در اسلام به طور مستقل بیان نشد ولی مورد غفلت نیز نبوده است. به عبارتی خیلی کلی می توان آنرا در تفسیر متون دینی خلاصه کرد.
- هرمنوتیک و پیش داوری های آن به عبارتی از این قرار است که کلام مولف را ما به معنای حقیقی آن باز گردانیم و در این میان باید اسلوب مشخص باشد؛ زیرا که در تفاسیر گاه ما به تفاسیر مغایر هم می رسیم که باید مورد تامل قرار گیرد.
- هرمنوتیک از ارسطو شروع شده و تا به امروز ادامه دارد. در تاریخ هم گاه معانی و اسلوب متفاوتی را به خوی گرفته است. می توان به نظرات مارتین کلاونیوس یا آگوستولف در این باره اشاره آورد.

- آرام آرام هرمنوتیک از روش توسط شلاير ماخر و گادامر تبدیل به فلسفه شد.
- گادامر به هستی شناسی فهم پرداخت یعنی تبیین حقیقت فهم و بنیان های وجودی آن که در هایدگر این تامل در ماهیت فهم را به عنوان هدفی متوسط و در ضمن تحلیل ساختار دازاین "وجود" و به غرض رسیدن به پرسش از معنای هستی می پرداخت.
- لذا در کل تعاریف هرمنوتیک را می توان به ۱- هنر تفسیر کتاب مقدس ۲- هنر تفسیر متون ۳- علم به قواعد فهم متون ۳- روش جلوگیری از بد فهمی ۴- روش شناسی علوم انسانی ۵- تبیین ماهیت فهم عنوان کرد.

نکته مهم

پس از این گذار می توان به

- ۱- قبض و بسط شریعت
- ۲- قرائت های مختلف از دین
- ۳- پلورالیسم دینی
- ۴- دین دنیا
- ۵- کارکردهای دین
- ۶- گفتمان ایمان دینی
- ۷- تجربه دینی و تجربه ی عرفانی
- ۸- زبان دین
- ۹- علم و دین
- ۱۰- علم دینی
- ۱۱- قرآن و تنوری تحول
- ۱۲- دین و اخلاق

هر یک از گزاره های مذکور مشخصلا سرفصل گفتگو می باشد که طلب به مراجعه می شود.